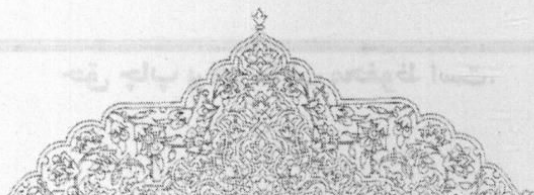


مسانی مشروعیت دخالت دولت
در حوزه قراردادہای خصوصی



دکتر ایوب رنجبری
(استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

کاظم سلیمانپور



سرشناسه	: رنجبری، ایوب
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی مشروعیت دخالت دولت در حوزه قراردادهای خصوصی / ایوب رنجبری، کاظم سلیمانپور
مشخصات نشر	: قم، مشعل هدایت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۳ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۲-۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۳۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: قراردادهای عمومی - سیاست دولت
موضوع	: قراردادها - ایران - سیاست دولت
شناسه افزوده:	: سلیمانپور، کاظم
رده بندی کنگره	: ۱۳۵۰ م ۲ / ۹ / ۳۸۶۰ HD
رده بندی دیویی	: ۳۵۱.۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹/۵۱/۶۵

سندنامه کتاب

نام کتاب: مبانی مشروعیت دخالت دولت در حوزه قراردادهای خصوصی

مؤلف	: دکتر ایوب رنجبری (استاد)، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو - کاظم سلیمانپور
ناشر	: مشعل هدایت
صفحه آرا	: فاطمه رابط (خدمات کامپیوتری ماندگار)
نوبت چاپ	: دوم ۱۴۰۳
چاپ	: مبین قم
شمارگان	: ۱۰۰
قیمت	: ۱۱۰۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۲-۰-۷

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

اختصارات

ق.م.	 قانون مدنی
ق.م.م.	 قانون مسئولیت مدنی
آ.د.د.ع.ا.م.	 آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
ل.ا.ق.ت.	 لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷
ق.ا.ا.م.	 قانون اجرای احکام مدنی
ق.ت.	 قانون تجارت
ق.ا.	 قانون اساسی
ق.د.ا.ر.	 قانون دفاتر اسناد رسمی ۱۳۵۴
ص	 صفحه
ش	 شماره

چکیده

منظور از مبانی در موضوع «مبانی مشروعیت دخالت دولت در حوزه‌ی قراردادهای خصوصی»، اساس و شالوده است. هدف این است که مشروعیت دخالت دولت در حوزه‌ی قراردادهای خصوصی را ریشه‌یابی کنیم، اساس و شالوده آن را پیدا نماییم. به طور کلی، حق دخالت دولت در قراردادهای خصوصی امری ثابت و مشروع است و میزان دخالت دولت تحقق یافتن مقاصد عدالت اجتماعی و مصالح جامعه می‌باشد. هر چه اشخاص، مسائل شرعی و اخلاقی را بهتر رعایت نمایند، مصالح جامعه بهتر تأمین و نیاز به دخالت دولت کمتر حس می‌شود و بالعکس، اگر اشخاص در روابط قراردادی به خوبی عمل نکنند و بیشتر به انحراف کشیده شوند، برای تحقق عدالت و مصالح جامعه، نیاز به دخالت دولت بیشتر می‌شود. بنابراین، دولت در حق دخالت خود محدودی دارد و حق دخالت مطلق و به‌طور دلخواه ندارد. در اقتصاد اسلامی، آزادی افراد و دخالت دولت در امور اقتصادی، هر یک قلمرو مخصوص به خود دارد و هر دو مکمل یکدیگرند. همه‌ی این موارد به صورت تفصیلی در این پایان‌مورد بحث و مطالعه قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: قراردادهای خصوصی، آزادی قراردادی، دخالت دولت، نظم عمومی، عدالت، مصالح عمومی.



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	چکیده
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: مفاهیم و تعاریف
۱۵	۱-۱- اصل حاکمیت اراده
۱۷	۱-۲- عوامل محدود کننده‌ی اصل حاکمیت اراده در قانون
۱۷	۱-۲-۱- قانون
۱۹	۱-۲-۲- نظم عمومی
۲۲	۱-۲-۳- اخلاق حسنه
۲۵	۱-۳- تحدید ارادی قلمرو حاکمیت اراده
۲۶	۱-۳-۱- حدود سلب آزادی حق
۲۸	۱-۳-۲- ضمانت اجرای استفاده از حق سلب شده
۳۰	۱-۴- ابزارهای حقوقی دولت برای دخالت در قراردادهای خصوصی

فصل دوم: دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی جهت حفظ نظم عمومی ۳۳

۱-۲- اقسام نظم عمومی از نظر قلمرو و طبیعت ۳۶

۲-۲- وضعیت حقوقی قراردادهای مخالف نظم عمومی ۳۷

۱-۲-۲- وضعیت معامله با جهت نامشروع در فقه ۴۲

۲-۲-۲- وضعیت معامله با جهت نامشروع در حقوق ایران ۴۵

۲-۲-۳- اعلام جهت نامشروع به وسیلهی شرط ۵۴

۳-۲- بررسی تطبیقی ۵۷

۴-۲- خسارت سبب بطلان قراردادهای مخالف نظم عمومی ۶۰

۱-۴-۲- مفهوم خسارت ۶۰

۲-۴-۲- جبران خسارت ۶۱

۳-۴-۲- استرداد عوض ۶۳

فصل سوم: دخالت دولت در حوزه قراردادهای خصوصی جهت تحقق عدالت اجتماعی و

اقتصادی ۶۵

۱-۳- تأمین رفاه عمومی ۶۸

۲-۳- ضرورت مقابله با شروط غیرمنصفانه در قراردادهای خصوصی ۷۱

۳-۳- ضرورت دخالت دولت در اقتصاد و حوزههای آن ۸۱

۱-۳-۳- دخالت دولت در حوزه مبادله ۸۸

۲-۳-۳- دخالت دولت در حوزه مصرف ۹۰

۳-۳-۳- دخالت دولت در حوزه توزیع درآمد ۹۱

۴-۳- حمایت دولت از حقوق مصرف کننده ۹۴

۱-۴-۳- اصول حمایت از حقوق مصرف کننده ۱۰۳

۲-۴-۳- حمایت از حقوق مصرف کننده در قراردادهای اعتبار مصرفی ۱۰۵



۳-۵- حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای کار..... ۱۱۰

نتیجه‌گیری..... ۱۱۵

فهرست منابع و مآخذ..... ۱۲۵

نخست- منابع فارسی..... ۱۲۷

الف- کتب..... ۱۲۷

ب- مقالات..... ۱۳۰

دوم: منابع عربی..... ۱۳۲

سوم: منابع انگلیسی..... ۱۳۲

مقدمه

دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی در تناقض آشکار با اصل آزادی قراردادی است. زیرا، مطابق ماده ۱۰ ق.م. اصل بر آزادی قراردادها می‌باشد و هر شخص می‌تواند با هر شخص دیگری در هر قالبی قرارداد منعقد نماید، که به اصل آزادی قراردادها معروف است. مطابق این اصل، بعد از انعقاد قرارداد، اراده‌ی متعاقدين باید محترم شناخته شود و مقامات عمومی حق ندارند آثار قرارداد و تعهدات طرفین را تغییر دهند. قاضی نمی‌تواند در قرارداد تجدیدنظر کند، یا به آن معنی دیگری که مقصود طرفین نبوده بدهد. به طور کلی مقامات عمومی باید حتی‌الامکان در حالت عدم دخالت در این امور خودداری نمایند.

هدف از انجام این تحقیق این است که مبانی مشروعیت دخالت دولت در محدود کردن آزادی قراردادها مورد بررسی و مشخص شود. باید توجه داشت که مبانی دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی، محدوده‌ی این دخالت را نیز مشخص می‌نماید. از این رو، در این تحقیق، محدودیت قراردادن موضوع مبانی مشروعیت دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی، سعی بر مشخص نمودن محدوده‌ی این دخالت نیز شده است.

به هر حال، دخالت دولت در محدود کردن آزادی قراردادها از نظر تاریخی به تغییر و تحول در نقش و وظایف دولت برمی‌گردد. در گذشته اصل بر این بود که کار مردم به خود آنها واگذار شود و دولت در روابط خصوصی افراد بویژه روابط اقتصادی افراد وارد نمی‌شد، مبنای علم حقوق نیز مبتنی بر اصالت فرد و آزادی اراده اشخاص بود. محدودیتی بر این آزادی نبود و افراد می‌توانستند هر نوع شرطی را در تنظیم قراردادها درج کنند. در این نظام، حقوق قراردادها از

آزادی اراده و توافق طرفین حمایت می‌کرد. تصمیمات دادگاه‌ها در حل اختلاف مبتنی بر اراده طرفین قرارداد بود. از اواخر قرن ۱۹ دولت نقش زیادی یافت و علاوه بر تأمین نظم عمومی و حفظ حدود مرزها، خدمات عمومی زیادی را در تأمین نیازهای جامعه به عهده گرفت. مثلاً دولت همانند اشخاص خصوصی به تجارت پرداخت و بسیاری از صنایع بزرگ را ملی کرد. نقش دولت از نظر شکل و ماهیت تا حدودی تغییر پیدا کرد و وظائفی که بخش خصوصی توانائی راه اندازی را نداشت، دولت با تمام قدرت وارد عمل شد. از جمله امور مهم که دولت بدان پرداخت، بارها بود از ایجاد و گسترش و تسهیل حمل و نقل مانند توسعه‌ی راه‌آهن، ساختن جاده‌ها، بندرگاه‌ها، کانال‌ها، ایجاد و گسترش و تنظیم ارتباطات مانند خدمات پستی، تلفن و تلگراف، حمایت از صنایع داخلی از طریق وضع تعرفه‌های گمرکی و معافیت‌های مالیاتی، ایجاد و گسترش خدمات شهری، ایجاد و گسترش صنایع بزرگ و ایجاد نظام‌های آموزش و پرورش عمومی. دولت برای همه این اقدامات قوانین و مقررات، تنظیمی تدوین کرد و دستگاه‌های لازم را برای تسهیل این امور ایجاد کرد (طجری، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

استدلال طرفداران ورود دولت در این امور این بود که بخش خصوصی قادر به انجام این کارهای بزرگ نبود و همچنین نمی‌توانست به صورت عادلانه این همه امکانات را در اختیار عموم قرار دهد. اما دولت بخاطر ابزارهای قدرتی که دارد و درآمدهایی که دارد قادر به انجام همه این امور می‌باشد. یکی از اثرات ورود دولت در بخش خصوصی محدود کردن اصل حاکمیت اراده در حقوق خصوصی بود. بطوری که دولت به نام حفظ حقوق عمومی، حمایت از طرف‌های ضعیف در قراردادها و برآوردن اهداف جامعه، رعایت برخی اصول را

اجباری نمود و یا بستن پیمانی را بر اشخاص تحمیل کرد و برخی اصول مسلم مانند اصل آزادی اراده در حقوق قراردادهای محدود نمود (همان).

این اعمال دولت در جهت برآوردن بخشی از اهداف اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌باشد که می‌بایست توسط کارکردهای بخش خصوصی و یا دولت برآورده شود. اگر بازار در تأمین این اهداف ناکام ماند دولت وارد عمل می‌شود. بنابراین، دخالت دولت به منظور وصول به عدالت اقتصادی و اجتماعی و همچنین حفظ نظم عمومی توجیه می‌شود.

به طور کلی سیاست، مصالح عمومی، قانون، اخلاق حسنه و نظم عمومی از مبانی اصلی دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی محسوب می‌شوند و این مبانی به نوبه‌ی خود موجب دخالت دولت در قراردادهای را نیز مشخص می‌نماید.

جهت دستیابی به اهداف تحقیق، موضوع مبانی مشروعیت دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی در سه فصل جداگانه مورد بحث و مطالعه قرار خواهد گرفت: در فصل اول به کلیات مرتبط با موضوع پایان‌نامه پرداخته می‌شود. بدین منظور، روش شناسی تحقیق و مفاهیم نظری تحقیق به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل دوم ابتدا تأمین رفاه عمومی سپس مقابله با شروط ناعادلانه در قراردادها با رویکرد تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بعد به موضوع دخالت دولت در عرصه اقتصاد برای برقراری توازن و تعادل در بازار جهت تأمین عدالت و مصالح عمومی پرداخته خواهد شد و در نهایت قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و حمایت از قشر ضعیف در قراردادهای کار مورد مطالعه قرار خواهد گرفت، که همگی دلالت بر تلاش دولت برای برقراری عدالت و



جلوگیری از سوء استفاده از اصل آزادی قراردادها دارند و همچنین مشروعیت دخالت دولت در قراردادهای خصوصی را توجیه می‌نمایند.

فصل سوم به موضوع دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی جهت حفظ نظم عمومی اختصاص یافته است. تشخیص قراردادهایی که برخلاف اصل آزادی قراردادی باید محدود شوند، در عمل چنان دشوار است که ممکن است دادگاهها در تصمیم‌گیری دچار تردید و مشکل شوند. از این رو، مصادیق شایع چنین قراردادهایی در جامعه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد تا از یک سو تشخیص آنها راحت‌تر باشد و از سوی دیگر حدود دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی بیش‌تر روشن شود.

شایان ذکر است با توجه به این که نظم عمومی دارای یک مفهوم عام و کلی است، قانون و اخلاق حسنه نیز، که از مبانی دخالت دولت در حیطه قراردادهای خصوصی به حساب می‌آیند، در فصل سوم عمدتاً زیر عنوان نظم عمومی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. به طور کلی به استناد نظم عمومی می‌توان قراردادهای مخالف اخلاق حسنه را نیز از اعتبار انداخت زیرا، آن چه با اخلاق حسنه منافات دارد با نظم عمومی نیز مخالف است، ولی امکان دارد قراردادی که با نظم عمومی منافات دارد، به لحاظ اخلاقی ناپسند محسوب نگردد. همچنین قراردادهای مخالف قانون امری نیز نظم عمومی جامعه را به هم می‌زند و این نوع قراردادها را نیز می‌توان از مصادیق قراردادهای مغایر با نظم عمومی محسوب داشت. با وجود این، هر جا قراردادی مخالف ماده‌ی قانونی باشد، بدیهی است اعلام بطلان آن قرارداد به استناد ماده‌ی مزبور صورت خواهد گرفت.